

## نقش بنیاد دفاع از دموکراسی در سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

رهبر طلعی حور<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** نهادهای فکری یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شوند که برخی از آنها در فرایند تصمیم‌سازی در قبال جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری دارند. یکی از مهم‌ترین این نهادهای فکری، «بنیاد دفاع از دموکراسی» است. این مقاله با هدف بررسی نقش آن مؤسسه در سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که بنیاد دفاع از دموکراسی چه نقشی در سیاست خارجی آمریکا داشته و در قبال جمهوری اسلامی ایران چه اقدام‌هایی را انجام داده است؟

**روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویش اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از مهم‌ترین نهادهای فکری تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا، متمرکز بر جمهوری اسلامی ایران بوده که با رویکرد تنبیه‌گری بدون تعامل و با هدف تغییر نظام در حوزه‌های مختلف پیشنهادهایی را مطرح نموده که مورد توجه سیاستمداران آمریکا قرار گرفته است.

**نتیجه‌گیری:** افکار و اندیشه‌های اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی نقش بسیار برجسته‌ای در شکل‌گیری سیاست رؤسای جمهوری آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران داشته است و ردپای سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را می‌توان در یادداشت‌های اعضای مؤسسه مشاهده کرد که این امر نقش و تأثیرگذاری این نهاد فکری را در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران به وضوح نشان می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، بنیاد دفاع از دموکراسی، تنبیه‌گری بدون تعامل

## مقدمه

ساختار کثرت‌گرایی آمریکا زمینه را برای ایفای نقش بازیگران غیررسمی در کنار بازیگران رسمی فراهم کرده و این بازیگران در فرایند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین بازیگران غیررسمی اتاق فکرها هستند که به‌عنوان دانشگاه‌هایی بدون دانشجو توصیف می‌شوند و با بکارگیری کارشناسان، مقامات پیشین و کنونی دولت و نیز صاحب‌نظران مسائل مختلف، به بررسی مسائل در حوزه‌های داخلی و خارجی پرداخته و در عین حال بر تعیین سیاست عمومی نیز تأثیرگذار هستند. جایگاه اتاق‌های فکر به‌گونه‌ای در آمریکا شناخته شده است که آنها را در کنار رسانه‌ها قوه چهارم حاکمیت می‌نامند، قوای در تراز سه قوه دیگر که ساختار حاکمیت آمریکا را می‌سازند (انصاری، ۲۰۱۹: ۷۲). بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از مؤسسات فکری آمریکا است که بر جمهوری اسلامی ایران تمرکز داشته و در حوزه‌های مختلف مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در سیاستگذاری آمریکا تأثیرگذار است به‌گونه‌ای که برخی‌ها اعتقاد دارند ردپای این مؤسسه در برخی سیاست‌های دولت‌های آمریکا در قبال ایران در دهه‌های اخیر به وضوح دیده می‌شود.

با توجه به اهمیت این گونه مؤسسات در فرایند تصمیم‌گیری آمریکا، در این مقاله تلاش می‌شود نقش بنیاد دفاع از دموکراسی در سیاست خارجی آمریکا علیه ایران مورد واکاوی قرار گیرد. بنابراین سؤال مقاله به این صورت مطرح می‌شود که بنیاد دفاع از دموکراسی چه نقشی در سیاست خارجی آمریکا داشته و در قبال جمهوری اسلامی ایران چه اقدام‌هایی را انجام داده است؟ در پاسخ به سؤال تحقیق فرضیه بحث چنین تدوین می‌شود که بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از مهم‌ترین نهادهای فکری تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا متمرکز بر جمهوری اسلامی بوده که با رویکرد تنبیه‌گری بدون تعامل و با هدف تغییر نظام در حوزه‌های مختلف پیشنهادهایی را مطرح نموده که مورد توجه سیاستمداران آمریکا قرار گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و پویس اینترنتی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. درخصوص اهمیت و ضرورت تحقیق می‌توان گفت؛ پرداختن به نقش اتاق‌های فکر آمریکا در فرایند تصمیم‌گیری، ضمن نشان دادن زوایای پنهان تصمیم‌گیری در آن کشور، رویکردهای مؤسسات فکری آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران را روشن ساخته و ما را در درک بهتر آمریکا، سیاست‌های آن کشور و مهم‌تر از همه اتاق‌های فکر آن کشور توانمندتر می‌سازد. ضمن این که می‌تواند در مهم جلوه دادن اهمیت این‌گونه مؤسسات برای مسئولین عرصه سیاست خارجی کشور مفید بوده و زمینه را برای استفاده از مراکز فکری کشور در فرایند تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی فراهم نماید.

### پیشینه تحقیق

موسوی و رضوی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال حضور منطقه‌ای ایران» سیاست‌ها و پیشنهادهای اندیشکده‌های آمریکایی را در قبال نقش منطقه‌ای ایران بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که تعدادی از اندیشکده‌های آمریکایی در قبال فعالیت‌های منطقه‌ای ایران سیاست تعامل با ایران را پیشنهاد می‌کنند، اما عمدتاً خواهان اتخاذ سیاست مهار بوده‌اند؛ ضمن این که سیاست تغییر رژیم ایران نیز در میان برخی از نویسندگان اندیشکده‌های آمریکا طرفدارانی دارد.

بخشی آئی و همکارانش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مؤسسه امریکن اینترپرایز و اثر آن بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از رویکرد آماری، جایگاه و سهم ایران از حجم فعالیت‌های مؤسسه محاسبه شده و به این نتیجه رسیده‌اند که خطوط سیاستی مؤسسه امریکن اینترپرایز در مورد ایران در شش حوزه خاورمیانه، اطلاعات، دفاع، تروریسم، آمریکای لاتین و مرکز تهدیدهای حساس و بحرانی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت ترامپ در خصوص ایران داشته است.

انصاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «اتاق‌های فکر و فرآیند تصمیم‌سازی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا» اشاره می‌کند، اتاق‌های فکر برای تأثیرگذاری و نفوذ در فرآیند تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا پنج روش زیر را مورد توجه قرار می‌دهند: اول؛ ایده‌های متفاوتی را پیش روی تصمیم‌گیران قرار می‌دهند. دوم؛ کارشناسان مورد نیاز بدنه حکومت را پرورش می‌دهند و یا نیروهای حکومت پیشین را به خدمت می‌گیرند. سوم؛ بستر بحث‌های مهم و اساسی را از طریق کنفرانس‌ها، حضور کارشناسان در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی فراهم می‌کنند. چهارم؛ از طریق انتشار گزارش‌های خود شهروندان را با خود همسو کرده و افکار عمومی را در راستای سیاست‌های تعیین شده جهت می‌دهند و در نهایت این مراکز به‌عنوان مراکز پیش‌بینی بحران‌ها و معضلات حال و آینده و ارائه راهکار عمل می‌کنند. به‌عبارتی این مراکز پل ارتباطی و محلی برای اجماع نخبگان فکری و ابزار ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شوند.

سید شمالی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اتاق‌های فکر محافظه‌کار بر سیاست‌های تهاجمی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۰۰-۲۰۱۷)» این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند، اتاق‌های فکر محافظه‌کار در زمینه سیاست خارجی و امنیت ملی دارای برتری کمی و کیفی بوده و می‌توانند بیشترین تأثیر را در سیاست‌های خارجی آمریکا داشته باشند، همچنین با توجه به نگرش ایالات متحده به منطقه خاورمیانه و تلاش در جهت ایجاد نظم نوین جهانی و تقابل تمدن‌های غرب و اسلام در این راستا، باعث بروز سیاست‌های تهاجمی این کشور در خاورمیانه شده است.

امام جمعه‌زاده و بابایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش اتاق‌های فکر در اعمال تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که رصد سیاست‌های آمریکا در قبال پرونده

هسته‌ای ایران به خوبی نشان می‌دهد که تغذیه فکری رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از تحریم‌ها گرفته تا مذاکره، همه و همه به نوعی از اتاق‌های فکر آمریکا نشأت می‌گیرد و اتاق‌های فکر در جهت‌دهی به دولت‌مردان آمریکا در تصمیم‌سازی سیاست خارجی و اعمال تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای کاخ سفید در قبال ایران بسیار تأثیرگذار هستند. بررسی پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهد در ارتباط با اتاق‌های فکر مقالات متعددی نوشته شده که بیشتر آنها با رویکرد کلی به تشریح اتاق‌های فکر و نقش آنها در سیاست خارجی پرداخته و بررسی جداگانه نقش هر یک از اتاق‌های فکر در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، کمتر مورد توجه قرار گرفته که این پژوهش درصدد است نقش یکی از مهم‌ترین نهادهای فکری آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

### روش تحقیق

با توجه به اهداف اشاره شده، پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و از نظر ماهیت و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده‌ها با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای و پویس‌های اینترنتی انجام شده است. این تحقیق رویکردی کیفی داشته و اطلاعات با استفاده از استدلال و تحلیل عقلایی به صورت کیفی و تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته است.

### چارچوب مفهومی و نظری

#### اتاق فکر

واژه «اتاق فکر» برای اولین بار، توسط آمریکایی‌ها در دهه ۱۹۲۰ مطرح شد و به مرور در ادبیات علوم سیاسی و مدیریتی وارد گردید. در قرن بیستم مؤسساتی غیر وابسته، در قالب سیاست عمومی، برای ایالات متحده آمریکا و تعداد محدودی از کشورها، مانند کانادا، بریتانیا و اروپای غربی برای انجام تحقیقات و ارائه مشاوره در خصوص سیاست عمومی پدید آمد، گرچه اتاق‌های فکری در ژاپن وجود داشت ولی فاقد استقلال بود و نزدیکی قابل توجهی به وزارتخانه‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ داشت. گسترش اصلی و جدی اتاق‌های فکر از دهه ۱۹۸۰م به عنوان نتیجه جهانی شدن، شیوع پیدا کرد. بخصوص پس از پایان جنگ سرد، که جهان شاهد ظهور مشکلات فراملی بود؛ دو سوم، از کل اتاق‌های فکر حال حاضر، پس از سال ۱۹۷۰م و بیش از نیمی از آن از سال ۱۹۸۰ شروع به کار کردند. اثر جهانی شدن در تکثیر اتاق‌های فکر در مناطقی مانند آفریقا، شرق اروپا و بخش‌هایی از آسیای جنوب شرقی آشکارا مشهود بود، که در نهایت جامعه بین‌الملل به ایجاد سازمان‌های مستقل تحقیقاتی سیاست عمومی مبادرت ورزید، بسیاری از این مؤسسات در

طول جنگ سرد به منظور مطالعات امنیتی و تمرکز بر سیاست خارجی پدید آمدند (مک‌گان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

این مؤسسات به‌طور اخص در آمریکا و بریتانیا شروع به کار کردند. از دهه ۱۹۳۰ به بعد و هم‌زمان با رشد رشته روابط بین‌الملل شاهد شکل‌گیری «مؤسسات مطالعاتی بین‌المللی» در آمریکا و بریتانیا بوده‌ایم، که درگذر زمان به دیگر کشورهای اروپایی و مخصوصاً کشورهای متأثر از فرهنگ «آنگلو-آمریکایی» گسترش پیدا کرد. همچنین از دهه ۱۹۸۰، ابعاد بین‌المللی مؤسسات فکری، متحول شد و باعث انجام پژوهش‌هایی در سطح بین‌المللی گردید (استون و دنهام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۳۲۲-۳۲۴). براساس گزارشی که در سال ۲۰۱۸ توسط مک‌گان تهیه شده است از مجموع ۸۱۶۲ اتاق فکر در دنیا، تعداد ۲۲۱۹ در اروپا، ۱۹۷۲ در آمریکای شمالی، ۱۸۲۹ در آسیا، ۱۰۲۳ در آمریکای مرکزی و جنوبی، ۶۱۲ در آفریقا، ۵۰۷ در آفریقای شمالی و آسیای میانه قرار دارند (مک‌گان، ۲۰۱۹: ۳۵).

### رویکرد تنبیه‌گری بدون تعامل

این رویکرد دربردارنده مجموعه اقداماتی از جمله تحریم، تهدیدهای نظامی و تلاش برای تغییر نظام است که به‌گونه‌ای هماهنگ و منسجم در قالب یک راهبرد اجرا می‌شود. این رویکرد از سوی بنیاد دفاع از دموکراسی در قبال ایران دنبال می‌شود، حامیان این رویکرد معتقدند؛ شواهدی محکم بر وجود خطر بالفعل و آشکاری است که از سوی ایران امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کند، از نظر آنان، جمهوری اسلامی ایران خطری بزرگ برای آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود، استدلال محوری آنها بر این پایه استوار است که ایران هسته‌ای، تهدیدی قریب‌الوقوع است. با وجود اینکه حامیان این رویکرد، خطر ایران را برای امنیت ملی آمریکا بر پایه پیش‌بینی تهدید ناشی از ایرانی هسته‌ای بیان می‌کنند، در واقع ماهیت حکومت جمهوری اسلامی ایران است که از نظر آنها خطری جدی برای آمریکا است و به دلیل همین ماهیت اسلامی، دولت ایران غیرقابل اعتماد و غیرقابل اطمینان تشخیص داده می‌شود (ایزدی، ۲۰۱۲: ۲۷-۲۹). چکیده رویکرد «تنبیه‌گری بدون تعامل» را می‌توان در سخنان مایکل لدین، یکی از اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی یافت که معتقد است: «همه مشکل ما از این رژیم است، اگر رژیم را تغییر بدهیم، مشکل هسته‌ای قابل مدیریت می‌شود. اما اگر اجازه دهیم مالاها در جای خود باشند، آنگاه سلاح‌های هسته‌ای به‌طور مستقیم، ما و دوستانمان و متحدانمان را تهدید خواهد کرد». از نظر لدین «در ایران دست کم هفتاد درصد مردم رویای یک انقلاب [برای سرنگونی جمهوری اسلامی] را در سر دارند اما آنها در انتظار نشانه‌های محکمی از حمایت ما هستند» (ایزدی، ۲۰۲۰: ۲۹).

1. McGann

2. Stone & Denham

### مدل تصمیم‌گیری سیاست بوروکراتیک

گراهام آلیسون<sup>۱</sup> مدل تصمیم‌گیری سیاست بوروکراتیک را یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری می‌داند. این مدل بر شالوده فرآیند سازمانی بنا شده است ولی به‌جای مسلم‌انگاشتن کنترل رهبران صدرنشین بر تصمیم‌گیری‌ها، به‌وجود رقابت شدیدی میان واحدهای تصمیم‌گیری قائل بوده و سیاست خارجی را نتیجه چانه‌زنی میان اجزاء یک دیوانسالاری می‌داند. بنابراین آلیسون، علاوه بر جبریت‌های ناشی از ساختار سازمان اداری تصمیم‌گیری، بازی قدرت بین افراد تصمیم‌گیرنده را نیز در شکل‌گیری نهایی تصمیم مؤثر می‌داند. پیش فرض اصلی مدل سیاست بوروکراتیک این است که سرانجام سیاست خارجی، به خاطر آن‌که دستگاه‌های مختلف درگیر آن هستند، نهایتاً در کشمکش‌های بوروکراتیک شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی، نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده به حساب می‌آید. این مدل، موجب توجه بیشتر به نقش گروه‌های تصمیم‌گیر در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی شده است. به بیان دیگر، در هر نظام تصمیم‌گیری حکومتی، علاوه بر چارچوب‌های حقوقی و سازمانی تصمیم‌گیری، نوعی چارچوب سیاسی نیز وجود دارد که بر روند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود تصمیمات نه صرفاً ماحصل فرآیند قانونی و سازمان یافته، بلکه به‌مثابه محصولاتی سیاسی فرض شوند (آلیسون، ۱۹۸۵: ۲۴۵-۲۴۷).

در مدل تصمیم‌گیری سیاست بوروکراتیک، گروه‌های مختلفی که هر یک در چپتی متفاوت از دیگری اعمال فشار می‌کنند برآیند یا تصمیم مرکبی را به‌وجود می‌آورند که از تصمیم مورد نظر هر یک از افراد یا گروه‌ها متمایز است. نتیجه کار بستگی به قدرت و مهارت نسبی چانه‌زندگان دارد و نه به توجیهات عقلایی موجود به نفع یک سیاست یا به روش‌های سازمانی معمول (دوئرتی و فالتزگراف، ۲۰۰۵: ۷۳۱-۷۳۲). با توجه به این‌که مدل تصمیم‌گیری سیاست بوروکراتیک، سیاست خارجی را محصول کنش متقابل افراد و گروه‌های سیاسی می‌داند، نقش اتاق‌های فکر در تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در قالب این مدل قابل ارزیابی است.

### نقش مراکز و کانون‌های تصمیم‌ساز در سیاست خارجی آمریکا

اتاق‌های فکر که نام‌های دیگر همچون کانون‌ها و مراکز تصمیم‌ساز، سازمان‌های فکری، نهادهای فکری، مخازن اندیشه نیز بر آنها مترتب است در آمریکا به‌عنوان دانشگاه‌هایی بدون دانشجو توصیف می‌شوند. اتاق‌های فکر آمریکا، با بکارگیری کارشناسان، مقامات سابق و کنونی دولت و نیز صاحب‌نظران مسائل مختلف، به بررسی مسائل در حوزه‌های داخلی و خارجی این کشور پرداخته و در عین حال بر تعیین سیاست عمومی نیز تأثیرگذار هستند. با نفوذترین این مؤسسات به نوعی مانند دولت سایه و منبع تأمین افراد مورد نیاز در دولت‌های بعدی عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که مقامات سابق دولت

1. Graham Allison

آمریکا وارد این مؤسسات شده و مقامات دولت‌های جدید از آنها خارج می‌شوند. این مؤسسات همچنین کارشناسان مورد نیاز را جهت رسانه‌ها، نگارش گزارش در مورد رخدادهای روزمره و ارائه شهادت در کمیته‌های کنگره در اختیار آنها قرار می‌دهند (علی‌خانی و کاردان، ۲۰۱۱: ۴۹).

در آمریکا جایگاه مراکز و کانون‌های تصمیم‌ساز را در کنار رسانه‌ها «قوه چهارم» حاکمیت می‌نامند؛ قوه‌ای در تراز سه قوه دیگر (قانونگذاری، اجرایی، قضایی) که ساختار حاکمیت ایالات متحده آمریکا را می‌سازند. بر این اساس است که نهادهای مذکور در آمریکا به چهره اصلی ترسیم‌دورنمای سیاسی کاخ سفید تبدیل شده‌اند و سیاستگذاران در کنگره، کاخ سفید، پنتاگون و حتی مقامات اداری فدرال غالباً برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشاوره‌های آنها روی می‌آورند (علی‌خانی و کاردان، ۲۰۱۱: ۵۰).

«ریچارد هاس» مدیر سیاسی و برنامه‌ریزی در وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا این نقش را این گونه توصیف می‌کند: «امروزه اتاق‌های فکر ارائه دهنده ۵ اصل هستند»:

- ۱- تفکر جدید را برای تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کنند.
- ۲- مباحث را در کنگره و برای کارشناسان دولتی ارائه می‌دهند.
- ۳- برای اعمال پژوهش‌ها، آن را در اختیار سیاست‌گذاران در محل برگزاری قرار می‌دهند.
- ۴- در آموزش و به اشتراک گذاشتن مباحث بین شهروندان شرکت می‌کنند.
- ۵- به‌عنوان عاملی ثالث و وساطت‌کننده برای احزاب در هنگام نزاع و درگیری وارد می‌شوند (هاس، ۱۲ سپتامبر، ۲۰۰۳).

اتاق‌های فکر در آمریکا چندین نقش مختلف را در پروژه تصمیم‌سازی ایفا می‌کنند: اول: آن که آنها می‌توانند تحقیقات ابتدایی را روی مسائل سیاسی داشته و راهکارهای سیاسی ارائه دهند. دوم: آن که اتاق‌های فکر از طریق ورود به فرآیند تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی آمریکا می‌توانند نگرانی‌های مربوط به خط‌مشی‌های سیاسی را از طریق ارائه راهکارهایی حل و فصل کنند. از جمله از طریق گواهی دادن قبل از ارائه لوایح به کنگره، نوشته‌های مختصر برای روزنامه‌ها و خلاصه سیاسی که به‌طور گسترده در صفحات وب و یا به‌صورت چاپ شده توزیع می‌شوند، اشاره داشت. بیانیه‌ها و مشاوره‌های غیررسمی نیز از دیگر ابزارهای ارائه راهکار در رابطه با نگرانی‌های سیاسی فوری است. سوم: آن که اتاق‌های فکر می‌توانند وزنه‌ای برای بالا بردن اعتبار برنامه‌ها و تصمیمات حکومت باشند. بدین معنا که این مراکز با انتشار گزارش‌ها و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها به‌گونه‌ای تصمیم اتخاذ شده را مشروع و در جهت منافع ملی نشان می‌دهند. چهارم: آن که اتاق‌های فکر می‌توانند پرسنل مورد نیاز بدنه حکومت را تأمین کرده و در عین حال از این طریق به نفوذ خود بیافزایند (ریچ و ویور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۱۶-۱۷).

1. Richard Hass  
2. Rich & Weaver

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها از تأثیرگذارترین مراکز در مراحل ابتدایی روند سیاست‌گذاری هستند و این اهمیت، در مراحل تعریف مسئله و تعیین دستور جلسه بیشتر نمایان می‌شود. دونالد آبلسون به این نتیجه رسیده است که روند تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری واشنگتن به چندین شکل صورت می‌گیرد. برخی مؤسسات بدون این که هیچ نام و نشانی از آنها به میان بیاید، در پشت پرده مشغول به فعالیت هستند. آبلسون در خصوص روش‌های تأثیرگذاری و اندازه‌گیری میزان اثربخشی اندیشکده‌ها به روش‌هایی زیر اشاره می‌کند:

**طرح مسئله:** روشنگری در میان مردم، ارتباط با واسطه‌ها مانند رسانه، مقامات و دولت‌ها، هدایت کانال‌های سیاسی، تشکیل ائتلاف، قرار دادن مسائل در دستور کار عمومی.

**سیاست‌سازی:** انجام تحقیق، ارزیابی، برگزاری جلسات توجیهی، شهادت یادکردن در کنگره، رایزنی، شبکه‌سازی و پروژه‌های نمادین.

**اجرای سیاست:** انعقاد قرارداد، استفاده از رسانه‌ها، تأمین نیرو، تربیت نیرو، دستیابی به پایگاه‌های داده‌ای (بخشی آنی، ۲۰۲۰: ۹۴-۹۵).

### بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها<sup>۱</sup>

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها یک اتاق فکر و اندیشکده سیاسی مستقر در واشینگتن دی سی است که تمرکز فعالیت‌های آن بر امنیت ملی و سیاست خارجی است. در سایت بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها آمده که این مؤسسه اندکی پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأسیس شد و در آن متخصصان و دانشمندان در زمینه‌های مختلف، از جمله دولت، اطلاعات، ارتش، بخش خصوصی، دانشگاه و روزنامه‌نگاری فعالیت می‌کنند (سایت بنیاد دفاع از دموکراسی).

اگرچه بنیاد دفاع از دموکراسی مدعی است پس از حوادث سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز به کار کرده است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد سابقه این مؤسسه به آوریل ۲۰۰۱ و زمانی باز می‌گردد که گروهی از ثروتمندان طرفدار اسرائیل مؤسسه‌ای را با نام «EMET» (در عبری به معنی «حقیقت») راه‌اندازی کردند. براساس برگه درخواست معافیت مالیاتی که «کلیفورد می» مؤسس FDD در سال ۲۰۰۲ پر کرده بود، هدف اصلی EMET «ارتقای تصویر اسرائیل در آمریکای شمالی با استفاده از ابزارهای آموزشی» بوده و این هدف همچنان «به‌عنوان بخشی از هدف FDD ادامه خواهد یافت». در واقع برخلاف آنچه در وب‌سایت این مؤسسه ادعا شده، FDD نه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تأسیس شده و نه هدف آن «گسترش پلورالیسم، دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و مبارزه با ایدئولوژی‌های عامل تروریسم» است. در سایت بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها آمده که این اندیشکده یک مؤسسه غیرانتفاعی و غیرحزبی با تمرکز بر سیاست خارجی و امنیت ملی است و FDD کمک‌های مالی دولت‌های خارجی را قبول نمی‌کند، اما در کمک‌های مالی داخلی هیچ محدودیتی ندارد. سال ۲۰۱۱ فهرستی

1. Foundation for Defense of Democracies



از اسامی شماری از حامیان مالی FDD به رسانه‌ها درز پیدا کرد. این سند و اسناد مربوط به تأسیس FDD نشان داد تقریباً تمام حامیان مالی و مؤسسان این مؤسسه از یهودیان شناخته شده آمریکایی هستند که روابط نزدیک و دیرینه‌ای با رژیم صهیونیستی و به‌خصوص حزب «لیکود» به رهبری «بنیامین نتانیاهاو» دارند (روزنامه فرهیختگان، ۲۰۲۰).

اندکی پس از تأسیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، این بنیاد به سرعت تبدیل به یکی از کانون‌های فکری جریان نومحافظه‌کار شد و در کنار مؤسساتی مانند: «مؤسسه آمریکایی اینترپرایز» و «مؤسسه هودسون» در شکل‌گیری اولیه اولویت‌های سیاست‌های خارجی دولت جرج دبلیو بوش، تأثیر بسزایی داشته است. این بنیاد مدعی است «یک بنیاد فراحزبی است که منحصراً به توسعه پلورالیسم، دفاع از ارزش‌های دموکراتیک و مبارزه با ایدئولوژی‌هایی که دموکراسی را تهدید می‌کنند، می‌پردازد». در وب سایت این بنیاد آمده است: یک جنگ جهانی علیه جوامع دموکراتیک در حال وقوع است در حالی که نظامیان با اسلحه می‌جنگند، این بنیاد با استفاده از ایده‌ها می‌جنگد. ما با اسلام جنگجو و دیگر نیروهای ضد دموکراتیک با استفاده از اطلاعات تحقیقات سیاسی، روزنامه نگاری، تحقیقی، ارتباطات استراتژیک و آموزش دموکراسی و ضد با تروریسم، می‌جنگیم (رسالت، ۲۰۲۰).

این بنیاد از زمان تأسیس، تحقیقات و اطلاعات خود را با دولت‌های بوش، اوباما، ترامپ و بایدن و دفاتر کنگره به‌صورت دو حزبی به اشتراک گذاشته است. بنیاد علاوه بر تیم پژوهشی خود که ۷۰ نفر هستند، با طیف وسیعی از مشاوران برجسته همکاری نموده و از مشاوره آنها استفاده می‌کند؛ دارای سه مرکز بوده که شامل: مرکز قدرت نظامی و سیاسی؛ مرکز قدرت اقتصادی و مالی - و مرکز نوآوری سایبری و فناوری است (سایت بنیاد دفاع از دموکراسی).

### حوزه فعالیت‌های بنیاد دفاع از دموکراسی در قبال ایران

بنیاد دفاع از دموکراسی نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا و طراحی اقدامات خصمانه در قبال ایران دارد. این بنیاد که برخی از اعضای رادیکال اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور نیز در آن فعالیت می‌کنند، از جمله معماران اصلی جنگ اقتصادی و بازگشت تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده علیه کشورمان است (پورسعید و شاپوری، ۲۰۱۸: ۵۸). استفن والت، نظریه پرداز مشهور واقع‌گرا، در مقاله‌ای با عنوان «چه کسی حامی بنیاد دفاع از دموکراسی است» می‌نویسد؛ بنیاد نومحافظه کار دفاع از دموکراسی پیش‌تاز اردوگاه جنگ علیه ایران، حامی غیرارادی جناح راست در اسرائیل و منبعی پرثمر در زمینه اسلام‌هراسی بوده است (رسالت، ۲۰۲۰). از یکی از مقامات سابق آمریکا که سیاست ترامپ در رابطه با ایران را پیگیری می‌کند، نقل شده است: «اگر بخواهید بدانید اقدام بعدی ترامپ درباره ایران چیست، شرط‌بندی بسیار خوبی است که آیا [آن اقدام] در آخرین یادداشت مارک دبوویتز یا بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها آمده است (گیگلو، ۲۵ سپتامبر، ۲۰۱۸).

بنابراین این مؤسسه نسبت به سایر مؤسسات فکری آمریکا بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده و براساس اطلاعاتی که در سایت مؤسسه آمده؛ در حوزه‌های تحریم، برنامه هسته‌ای، حقوق بشر، موشک، سیاست و اقتصاد، حضور ایران در آمریکای لاتین، حزب‌الله ایران، حمایت ایران از تروریسم و ایران به‌مثابه یک شبکه جهانی تهدید کننده بوده، فعالیت می‌نماید (سایت بنیاد دفاع از دموکراسی). و همواره طرفدار راهبرد تغییر نظام در ایران بوده است.

### تغییر نظام

مارک دوبوویتز، مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی در ماه مارس ۲۰۱۷ در یادداشتی با عنوان «توهم هسته ای ایران» اشاره می‌کند: «آقای ترامپ باید به شیوه‌ای که رونالد ریگان با شوروی رفتار کرد، با تهدید ایران برخورد کند. در اوایل دهه ۱۹۸۰ ریگان به شورای امنیت ملی خود دستور داد برنامه تهاجم همه جانبه‌ای برای تضعیف شوروی طراحی کنند. شورای امنیت ملی ترامپ نیاز به چنین برنامه‌ای دارد که از ابزارهای آشکار و پنهان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، مالی، سیاسی، دیپلماتیک، سایبری و قدرت نظامی برای تخریب و کاهش تهدید ایران استفاده کند... دولت ترامپ نیاز دارد با همکاری کنگره، تحریم‌ها علیه رژیم را به دلیل حمایت ایران از تروریسم، توسعه موشک‌های بالستیک، سوء استفاده‌های حقوق بشری، جنایات جنگی و فعالیت‌های بی‌ثبات ساز در خاورمیانه تشدید کند. لازم است این تحریم‌ها به‌طور خاص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که کنترل بخش‌های استراتژیکی از اقتصاد ایران را در دست دارد، هدف قرار دهد (دوبوویتز<sup>۱</sup>، ۲۳ مارچ، ۲۰۱۷).

رئول مارک گرچت، از پژوهشگران بنیاد دفاع از دموکراسی با همکاری ری تکیه، پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی، در «واشنگتن پست» می‌نویسند: «اجماعی در واشنگتن برای عقب راندن جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. به جمهوری خواهان و دمکرات‌ها توصیه می‌شود از جنگ سرد یاد بگیرند و به خاطر ترس از برهم خوردن توافق‌های کنترل تسلیحات، در مورد نبرد روی زمین سازش نکنند. آمریکا باید ایران و قدرت روبه افزایش متکی بر حامیان خود را مهار کرده و به عقب براند. آمریکا باید پاشنه آشیل این رژیم یعنی انزجار مردم از حکومت را هدف بگیریم. حقوق بشر باید اولویت سیاسی آمریکا درباره ایران باشد. امروز رژیم اسلامی [ایران] شبیه شوروی دهه ۱۹۷۰ است؛ موجودیتی خسته و ناتوان از اصلاح خود، در حالی که غرق در فساد است و در اثر امپریالیستی پرهزینه، دچار خمیدگی شده است. اگر واشینگتن در برخورد با ایران به شیوه‌ای که با شوروی برخورد کرد، جدی باشد، باید با فشار بر آن در همه جبهه‌ها، این حکومت دینی را تضعیف کند (گرچت و تکیه<sup>۲</sup>، ۷ آوریل، ۲۰۱۷). گرچت و تکیه در اکتبر ۲۰۱۷ نیز در یادداشتی در «وال

1. Dubowitz  
2. Gerecht and Takeyh

استریت» ادعا کردند که حکومت دینی ایران هم اکنون «شبه اتحاد شوروی در روزهای پایانی حیاتش است» آن دو با اشاره به تجربه کارتر و ریگان در برخورد با شوروی، عنوان کرده‌اند: «جیمی کارتر و اکثریت حزب دمکرات خواستار زندگی مسالمت آمیز با شوروی بودند، اما رونالد ریگان با راه انداختن جنگ اقتصادی، تقویت مخالفان و محدود کردن مرزهای امپریالیستی شوروی، به فروپاشی حزب کمونیست کمک کرد. ترامپ باید از الگوی ریگان و نه کارتر پیروی کند. آمریکا باید ارتباط بیشتری با سازمان‌های مخالف در ایران برقرار و از نظر مالی به آنها کمک کند. ترامپ باید با استفاده از مدل ریگان، به‌طور مستقیم با مردم ایران سخن بگوید و از رژیم نامشروع‌شان انتقاد کند. واشینگتن باید بار تحریم‌های فلج‌کننده‌ای برای مقابله با شبکه حامی ملاحا، که برای قدرت‌شان اهمیت اساسی دارد، تحمیل نماید، فرمولی که منجر به فروپاشی امپراتوری قدرتمند شوروی شد، حتماً می‌تواند آقای خامنه‌ای و سپاه پاسداران را به زیر بکشد». در یادداشت گرچت و تکیه آشکارا توصیه به تغییر رژیم در ایران حتی با استفاده از قدرت نظامی شده است: «برای ترامپ و دولت‌ش باید این مسئله روشن باشد که تغییر رژیم تنها راه عمل‌گرایانه بازپیش روی آنهاست، مگر این‌که آماده پذیرش ایران مسلح به سلاح هسته‌ای باشند و اگر برای اقدام نظامی آماده‌اند، آشکارا و به‌طور جدی باید در راستای افزایش شورش‌های داخلی در ایران کار کنند (پورسعید و شاپوری، ۲۰۱۸: ۷۲).

مایکل لدین، که یکی از نومحافظه کاران و... از محققان مشهور این مؤسسه، در سال ۲۰۱۵ و زمانی که ایران و قدرت‌های بزرگ در حال رایزنی و مذاکره برای رسیدن به توافق هسته‌ای بودند، در مطلبی نوشت: «من فکر می‌کنم همان تغییر رژیم غیرخوشونت آمیز، امروز در ایران - و جاهای دیگر - ممکن است... شانس‌های موفقیت تغییر رژیم در ایران به‌طور قابل توجهی بهتر از امپراتوری شوروی دوران گورباچف در دهه ۱۹۸۰ هستند. درصد شهروندان ایرانی که آماده نشان دادن مخالفت‌شان با [آیت الله] خامنه‌ای و دیگران هستند، بسیار بیشتر از شهروندان شوروی است و رژیم ایران به‌طور قابل توجهی ضعیف‌تر است. شوروی ابرقدرت بود، اما ایران نیست. اتحاد شوروی سلاح‌های هسته‌ای و ارتشی بزرگ داشت، اما جمهوری اسلامی ایران این‌ها را ندارد» (لدین، ۲۰۱۵).

### تحریم اقتصادی

مارک دوبویتز مرکز قدرت مالی و اقتصادی<sup>۲</sup> و مرکز قدرت سیاسی و نظامی<sup>۳</sup> را در بنیاد دفاع از دمکراسی تأسیس کرده است. وی مدیر پروژه‌های مرکز قدرت اقتصادی و مالی، برنامه ایران، مرکز

1. Ledeen  
2. Center on Economic and Financial Power  
3. Center on Military and Political Power

نوآوری‌های سایبر و فناوری، مرکز قدرت نظامی و سیاسی در بنیاد دفاع از دموکراسی است و این پروژه‌ها را رهبری می‌کند. مارک نویسنده یا نویسنده همکار در بیش از ۲۰ مقاله درباره تحریم‌ها، ایران و مسائل هسته‌ای بوده است که به‌طور گسترده‌ای منتشر شده و اغلب در ایالات متحده و رسانه‌های بین‌المللی به آن اشاره شده است (سایت بنیاد دفاع از دموکراسی).

مارک دوبوویتز یکی از مشاورین دولت ترامپ در شورای امنیت ملی در اواخر سال ۲۰۱۷ با اعلام این که ترامپ نباید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تأیید کند، اعلام کرد البته تحریم‌های غیر برجامی که در دوره ترامپ وضع شد، شروع خوبی است اما ترامپ باید کارهای بیشتری انجام دهد؛ مثلاً این که باید سپاه پاسداران و ایران ایر را سازمانی تروریستی اعلام کند و از وزارت خزانه‌داری بخواهد شرکت‌های تحت مالکیت سپاه را در لیست سیاه قرار دهد. دولت باید با ارائه یک استراتژی جامع برای اصلاح توافق، کنگره را متقاعد کند تحریم‌های برجامی را برنگرداند و در عوض تحریم‌های دیگر وضع کند. اروپایی‌ها نیز در این راستا باید شرایطی را برای ایران ترسیم کنند که اگر ایران وارد این بازی نشود، تحت آن شرایط تحریم‌های اروپایی - آمریکایی بر می‌گردد. در غیر این صورت آنها باید شاهد خروج ترامپ از توافق با استفاده از قدرت عظیم مالی آمریکا برای وادار کردن بانک‌های اروپایی به انتخاب بین بازار ۱۹ تریلیون دلاری آمریکا و بازار ۴۰۰ میلیون دلاری ایران باشند (دوبوویتز، ۲۶ سپتامبر، ۲۰۱۷).

دیوید آدسنیک<sup>۱</sup> و سعید قاسمی‌نژاد از کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی طی گزارشی به شناسایی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران پرداختند و اعلام کردند؛ عمده این شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌هایی که جزء ۵۰۰ شرکت پردرآمد «گلوبال فورچون<sup>۲</sup>» هستند، به خاطر تحریم‌های آمریکا از ایران خارج شدند. آنان فشارها و تحریم‌های آمریکا را راهکاری مؤثر برای محدود شدن فعالیت‌های مخالف سیاست‌های آمریکا توسط ایران می‌دانند (آدسنیک<sup>۳</sup>، ۱۰ سپتامبر، ۲۰۱۸). دیوید آدسنیک در مطلب دیگری پیشنهاد می‌دهد تا با شناسایی مسیر نفتکش‌های ایرانی، خریداران نفت ایران را هدف قرار دهند. به‌زعم وی عدم رعایت مقررات دریانوردی می‌تواند بهانه‌ای برای مؤثر ساختن تحریم‌ها علیه فروش نفت ایران باشد. آدسنیک با اشاره به عضویت ایران و آمریکا در کنوانسیون بین‌الملل امنیت زندگی در دریا، پیشنهاد می‌کند که این کشور باید به دنبال راه‌هایی باشد تا تهران را درباره نقض خطرناک استانداردهای دریایی پاسخ‌گو نگه دارد. شرکت‌های بیمه‌کننده این نفتکش‌ها را تحریک کند و با مقامات بنادر خارجی وارد مذاکره شود تا تضمین دهند که نفتکش‌های ایرانی این سیستم خودکار هویت‌یابی را روشن نگه می‌دارند (آدسنیک، ۱۰ سپتامبر، ۲۰۱۸).

1. David Adesnik

2. Fortune Global

3. Adesnik

مارک گرچت عضو بنیاد دفاع از دموکراسی با اشاره به لزوم اتحاد آمریکا و اروپا برای تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها علیه ایران می‌نویسد: بعید است ترامپ تا پایان دوره ریاست جمهوری به یکی از دو هدف فروپاشی نظام ایران و یا بازگرداندن ایران به میز مذاکرات با هدف اصلاح قرارداد برجام دست یابد. پس ترامپ باید این اقدامات را انجام دهد؛ الف: با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر نسبت به ایران و تلاش برای کاهش صادرات نفت آن باید به ایجاد شورش‌های داخلی این کشور دامن بزند. ب: با ایجاد اجماع دو حزبی (دمکرات و جمهوری خواه) بر سر اتخاذ سیاست فشار حداکثری بر ایران، امید ایران برای تغییر دولت در سال ۲۰۲۰ را از بین ببرد، تا مقاومت این کشور را در هم بشکنند. دولت ترامپ علاوه بر این باید با برجسته‌سازی سیاست‌های منطقه‌ای ایران، اروپا را با خود همراه سازد (گرچت، ۱۲ دسامبر، ۲۰۱۸).

سعید قاسمی نژاد از همکاران پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی در یادداشتی در تاریخ پنجم جولای ۲۰۱۸، با عنوان «سقوط ریال تهران را آشفته می‌کند» به ناآرامی‌های اقتصادی ایران اشاره و پیشنهاد می‌کند که تمرکز فشار اقتصادی و واشنگتن باید بر روی کاهش صادرات نفت ایران و دستیابی آن به ارز قوی، از طریق سیستم مالی بین‌المللی باشد. آمریکا همچنین باید برای دوزدن سانسورهای تحمیل شده توسط تهران بر اینترنت، حمایت فنی برای مردم ایران را فراهم کند. چون این سانسورها دسترسی به رسانه‌های اجتماعی که برای سازماندهی تظاهرات اهمیت کلیدی دارند را محدود می‌کند. وی بیان می‌کند که برای کمک به نیروهای طرفدار دموکراسی در ایران، یک گام مهم دیگر بازسازی VOA فارسی و رادیو فردا است (میراحمدی، ۲۰۱۸: ۸۴-۸۵).

مارک دوبوویتز، بارها بر لزوم استفاده آمریکا از تحریم‌های غیرهسته‌ای جهت مجبور کردن ایران برای ترک آنچه که «سرکوب‌های داخلی، آزمایشات موشکی و حمایت از تروریسم» خوانده شده، تأکید کرد. وی ادعا کرده بود: «اگر تحریم‌ها با طرح‌های جدی برای تقویت جامعه مدنی ایران همراه نشود، آنگاه به هدف‌تان یعنی تضعیف حکومت (ایران) و تغییر سیاسی اجتماعی نخواهید رسید».

در فروردین ۹۸ دوبوویتز در یادداشتی در نشریه «وال استریت ژورنال» مشاوره می‌دهد که باید مسیر بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران را مسدود کرد. در ترسیم گزینه‌های پیش روی واشنگتن، نوشته است که کاخ سفید می‌تواند تشدید فشار اقتصادی را با تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی در داخل ایران ترکیب کرده و به این ترتیب ایران را برای تن دادن به محدودیت‌های بیشتر و عقب‌نشینی از فعالیت‌های منطقه‌ای و موشکی تحت فشار قرار دهد. یکی از توصیه‌های او این بود که سیا باید مخفیانه به «اتحادیه‌های کارگری» ایران پول بدهد تا اعتصاب کنند:

«مقام‌های دولت ترامپ باید حمایت گسترده از اتحادیه‌های کارگری ایران را مورد بررسی قرار دهند، از جمله این که از طریق یک صندوق مخفی تحت مدیریت آژانس مرکزی اطلاعات (سیا) به ایرانی‌های بیشتری پول داده شود تا اعتصاب کنند» (روزنامه وال استریت، ۲ آوریل، ۲۰۱۹).

با روی کار آمدن بایدن در آمریکا بنیاد دفاع از دموکراسی در ابتدای سال ۲۰۲۱ با تهیه یک رساله جامع همزمان توصیه‌هایی را در خصوص ایران به دولت جدید در حوزه‌های گوناگون ارائه داد که تحریم اقتصادی مهم‌ترین بخش آن بوده است که به چند مورد از آنها به شرح زیر اشاره می‌گردد:

۱- از اشتباهات گذشته در رابطه با دادن پیشنهاد تخفیف تحریم‌ها به ایران پیش از اجرای یک توافق جامع که به تمام فعالیت‌های مخرب ایران رسیدگی کند (شامل برچیدن غیرقابل بازگشت توانمندی‌های کلیدی هسته‌ای و موشکی) اجتناب کنید.

۲- مطالبه پذیرش مسئولیت فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده گذشته و حال ایران. اگر ایران زیر بار نرفت، دولت باید بر شورای حکام آژانس فشار بیاورد تا پرونده ایران را به دلیل نقض پیمان منع گسترش هسته‌ای (ان پی تی) به شورای امنیت ارجاع دهد.

۳- اعمال تحریم‌های جدید و ادامه اجرای تحریم‌های موجود روی نهادهای متصل به سپاه و سایر فعالیت‌های مرتبط با تروریسم.

۴- اجرای تحریم‌های بخش محور روی بخش مالی ایران تا زمانی که ایران به نگرانی‌های بین‌الملل درباره پولشویی و تأمین مالی تروریسم پاسخ دهد.

۵- اعلام رسمی این که تحریم‌های اعمال شده بر بانک مرکزی ایران و مؤسسات کلیدی (از جمله بخش انرژی ایران) بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴، تحریم‌های از نوع تروریستی است و تا زمانی که ایران دست از فعالیت‌های مرتبط با تروریسم برندارد، هیچ‌گونه تخفیف تحریمی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نهادهای ذیل تحریم‌های تروریستی منفعت برساند به ایران داده نخواهد شد.

۶- گسترش تلاش‌ها برای متوقف‌سازی پروازهای شرکت هواپیمایی تحریم شده ماهان به اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس. دولت بایدن باید از تحریم‌های ثانویه برای هدف قرار دادن عوامل فروش بلیت ماهان و اپراتورهای ارائه دهنده خدمات زمینی و همچنین بانک‌های تسهیل کننده پرداخت برای خدمات فرودگاهی به این شرکت استفاده کند.

۷- اعمال تحریم‌های جدید و ادامه اجرای تحریم‌های موجود روی نهادهای متصل به برنامه موشکی ایران.

۸- ادامه اجرای تحریم‌های موجود برای جلوگیری از انتقال تسلیحات از روسیه و چین به ایران.  
 ۹- دولت باید تضمین دهد که آمریکا برای تقویت فشارهای مالی و اقتصادی خود، گزینه نظامی معتبر را روی میز دارد. این باید شامل یک برنامه نظامی برای جلوگیری از تولید بمب اتمی توسط ایران و یک راهبرد نظامی ناظر به حمایت‌های معتبر آمریکا برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه باشد. آمریکا باید برای هم پیمانان، از جمله اسرائیل، تمام حمایت‌های لازم برای مقاومت در برابر خشونت‌های ایران را تأمین کند (سایت بنیاد دفاع از دموکراسی، ۶ ژانویه، ۲۰۲۱). با توجه به این که

با گذشت بیش از یک‌سال از دوره ریاست جمهوری بایدن، تغییر خاصی در سیاست‌های آن کشور به‌خصوص در زمینه برجام و توافق هسته‌ای صورت نگرفته است، به نظر می‌آید توصیه‌های مؤسساتی همچون بنیاد دفاع از دموکراسی مورد توجه دولت بایدن قرار گرفته است.

### توافق هسته‌ای

در گزارشی که نیویورک تایمز منتشر کرده، اقدامات مارک دبوویتز برای نابودی توافق هسته‌ای یکی از مهم‌ترین اقدامات رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی خوانده شده است. دبوویتز، ریاست یک تیم متشکل از ۴۰ تحلیلگر سیاسی را برعهده دارد که طی سال‌های گذشته یادداشت‌ها و تحلیل‌های زیادی در انتقاد از برجام به نگارش در آورده‌اند. بسیاری از تحلیلگران آنها در شبکه فاکس نیوز مورد علاقه ترامپ حضور پیدا کرده‌اند. آنها در طی ۱۸ ماه قبل از امضای برجام نزدیک ۱۷ بار در کنگره علیه برجام سخن گفته‌اند (مجله نیشن، ۱۲ جولای، ۲۰۱۸).

دبوویتز در کمیته روابط خارجی مجلس سنا (فوریه ۲۰۱۴)، کمیته بانکداری سنا (۲۰۱۵ ژانویه ۲۷)، کمیته خدمات مالی مجلس نمایندگان (۲۲ ژوئیه ۲۰۱۵)، کمیته روابط خارجی مجلس سنا ایالات متحده (۲۹ ژوئیه ۲۰۱۵)، کمیته امور بانکی، مسکن و امور شهری (۵ اوت ۲۰۱۵) و کمیته راه مجلس نمایندگان (۲۰۱۵ نوامبر ۴) شهادت داده است. وی در دوره‌ای که کنگره آمریکا در تلاش برای لغو توافق هسته‌ای بود، بارها در کمیسیون‌ها علیه سیاست اوباما در این پرونده سخنرانی کرد و در زمان ترامپ نیز در تلاش بود سیاست فشار بر ایران را متناسب با دوره جدید به کاخ سفید تحمیل کند.

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها تهیه کننده اصلی «قدرت آتش فکری» بر علیه برجام، هم قبل و هم بعد از شکل‌گیری این توافق بوده و اعضای آن نه تنها با نگارش یادداشت‌های مختلف، بلکه با حضور گسترده در جلسات استماع کنگره، نقشی پیشرو در حمله به برجام ایفا کردند. بر این اساس باور بر این است که بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها نقش بسیار اساسی در خروج دولت ترامپ از برجام ایفا کرده است. بسیاری از شعارها، استدلال‌ها و اقداماتی که ترامپ چه در دوران انتخابات ریاست جمهوری و چه پس از استقرار در کاخ سفید در مورد ایران مطرح کرده و در پیش گرفته است، ابتدا از سوی محققان بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها طرح شده‌اند. حتی بسیاری از واژه‌ها و مفاهیمی که ترامپ و برخی دیگر از مقامات دولت او در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و توافق هسته‌ای برجام به کار بردند، ساخته و پرداخته بنیاد دفاع از دموکراسی‌هاست (پورسعید و شاپوری، ۲۰۲۰: ۷۳).

## سیاست‌های منطقه‌ای ایران

یکی از عبارات و واژگان پرتکرار در مطالب اندیشکده‌های آمریکایی نسبت به ایران، نفوذ منطقه‌ای ایران است. این عبارت که در حقیقت به روابط نزدیک میان ایران و اعضای محور مقاومت اشاره دارد، درصدد القای این هدف است که ایران با سیاست‌ها و نفوذ منطقه‌ای خود در صدد سیطره بر کشورهای غرب آسیا و ایجاد یک پل ارتباطی زمینی - هوایی، از ایران تا دریای مدیترانه است. این وضعیت با هدف تسهیل ارتباط با سوریه و حزب الله لبنان و در نهایت ایجاد شرایط لازم برای حذف و نابودی رژیم صهیونیستی، به تصویر کشیده می‌شود. آنان در مقالات خود ضمن اشاره به عراق، سوریه و جنبش حزب الله لبنان، گروه‌های عضو حشدالشعبی عراق، فاطمیون، زینیون و مقاومت مردمی سوریه، انصارالله یمن و گروه‌های مبارز فلسطینی را به عنوان اعضای محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کنند که جایگاه تهران را به عنوان قدرت مسلط در تقاطع استراتژیک خاورمیانه تحکیم می‌کند (موسوی و رضوی، ۲۰۲۰: ۱۱۴).

مارک دوبوویتز، مدیر ارشد اجرایی این اندیشکده در حساب کاربری خود در شبکه توئیتر، تصمیم ترامپ برای ترور سلیمانی و المهندس را تحسین کرد و نوشت: «تا پیش از این، ایران خیال می‌کرد ترامپ یک ببر توئیتری است اما حالا عکس آن ثابت شده است.» ترور سلیمانی و سخنان دوبوویتز، ترتیبات و ارتباطات بین این مرکز با «شورای امنیت ملی» ترامپ را بیش از پیش برای ما روشن می‌کند. اندکی بعد از این حملات در بغداد، بلومبرگ خبر داد ریچارد گلدبرگ، یکی از مشاوران عالی‌رتبه بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، پس از این که یک سال را در شورای امنیت ملی آمریکا سپری کرده، بار دیگر به این اندیشکده باز خواهد گشت (فرهیختگان، ۲۰۲۰).

سال‌ها بود که FDD با انتشار مقالات متعدد و اعزام کارشناس به کنگره برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که نقش مهمی در سیاست‌های منطقه ای ایران دارد، تلاش می‌کرد که بعد از روی کار آمدن دولت ترامپ، این تلاش‌ها دوچندان شد. گام اول را در این مسیر کنگره آمریکا برداشت و با تصویب قانون موسوم به «کاتسا» دولت را ملزم کرد ظرف ۹۰ روز سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی اعلام کند. این بار هم ترامپ به نحوی عمل کرد که مدت‌ها قبل FDD پیشنهاد کرده بود. در مارس ۲۰۱۷ یعنی ۷ ماه پیش از آن که ترامپ تصمیمش در این مورد را اعلام کند، دوبوویتز در یادداشتی مشترک با «ری تکیه» عضو شورای روابط خارجی آمریکا، نوشته بود: «دولت ترامپ باید بداند که اگر ابتدا سپاه پاسداران را تضعیف نکند، نمی‌تواند ثبات را به غرب آسیا برگرداند. و بدین منظور، باید ابتدا امپراطوری مالی این گروه را تعقیب کند. اگر ترامپ برای گنجاندن این سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) همچنان با مخالفت روبه‌رو شود، می‌تواند از (فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴) استفاده کند که بوش پس از یازده سپتامبر امضاء کرد و به دولت اختیار می‌دهد دارایی‌های افراد یا گروه‌هایی را که دست به اقدامات تروریستی زده‌اند یا خطر چنین کاری از سوی آنها وجود دارد، بلوکه کند.» در ماه اکتبر ترامپ همین مسیر را پیش



گرفت و خزانه‌داری آمریکا سپاه پاسداران را بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ تحت تحریم‌های مرتبط با تروریسم قرار داد.

### نتیجه‌گیری

ساختار کثرت‌گرای آمریکا اجازه فعالیت را به نهادهای مختلف برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری آن کشور داده و این امر نشان می‌دهد که مدل تصمیم‌گیری سیاست بوروکراتیک در آمریکا مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین نهادهایی که نقش انکارناپذیری در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا دارند، اتاق‌های فکر هستند. در خصوص تأثیر اتاق‌های فکر بر فرایند تصمیم‌گیری در آمریکا گفته شده پیش از حمله آمریکا به عراق، اتاق فکرهای نومحافظه کار، دولت را وادار به حمله به این کشور کردند. بنابراین اغلب محققان اتاق‌های فکر یا مورد پیشنهاد مراکز قوه مجریه و تصمیم‌گیرنده قرار می‌گیرند و یا از سوی آنها برای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی مورد پرسش واقع می‌شوند. بنیاد دفاع از دموکراسی یکی از اتاق‌های فکری است که نقش مهمی در فرایند تصمیم‌گیری آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد. برای این بنیاد جابه‌جایی قدرت در آمریکا اهمیت چندانی ندارد. آنها متمرکز بر افزایش فشار بر ایران بوده و در هر دولتی نیز توانستند با مشاوره‌های خود تحریم‌ها علیه ایران را افزایش دهند. افکار و اندیشه‌های اعضای مؤسسه «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» به‌ویژه مدیر اجرایی آن یعنی مارک دوبروویتز در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، نقش بسیار برجسته‌ای در شکل‌گیری سیاست رؤسای جمهوری آمریکا در رابطه با ایران داشته است به طوری که برخی‌ها اعتقاد دارند؛ ردپای سیاست‌های آمریکا در قبال ایران به خصوص در زمان ترامپ را می‌توان در یادداشت‌های اعضای مؤسسه مشاهده کرد که این امر نقش و تأثیرگذاری این نهاد فکری را در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران به وضوح نشان می‌دهد. این مؤسسه با انجام پژوهش‌ها و ارائه پیشنهادهای در خصوص مسائل ایران با هدف تغییر نظام، به انتشار آنها از طریق کتاب یا مقاله و رسانه‌های مجازی اقدام کرده و همچنین با حضور در کنگره، در تصمیم‌گیری دولت‌مردان آمریکایی نقش مؤثری را ایفا کرده است. همین تأثیرگذاری مؤسسه بود که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای در سال ۱۳۹۸ بنیاد آمریکایی دفاع از دموکراسی‌ها را در لیست تحریم خود قرار داد و تولید و انتشار دروغ، تشویق، مشورت، لابیگری و کارزار تبلیغاتی منفی به نحوی مؤثر در طراحی، اعمال و تشدید اثرات تروریسم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را علت اصلی تحریم آن مؤسسه اعلام کرد.

## References

- AliKhani, Abdullah; Kardan, Abbas (2011). *American approaches and plans about Iran*, Tehran, Abrare Moaser. (In Persian)
- Adesnik, David; Saeed Ghasseminejad (September 10, 2018). *Foreign Investment in Iran: Multinational Firms' Compliance with U.S. Sanctions*.
- Allison, Graham (2014). *Decision-making methods in foreign policy* (a commentary on the Cuban Missile Crisis), translated by Manouchehr Shojaei, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ansari, Mehdi (2018), "Thinking chambers and the decision-making process in the foreign policy of the United States of America", *Quarterly Journal of National Research*, volume 4, Number 46: 71-87. (In Persian)
- Bakhshi, Ani; Abbasi, Majid; Daneshvar, Haniyeh (2019). "American Enterprise Institute and its effect on the foreign policy of the United States of America towards the Islamic Republic of Iran", *two quarterly journals of politics and international relations*, volume 4, number 8: 91-112. (In Persian)
- Doherty, James; Faltzgraf, Robert (2004). *Conflicting theories in international relations*, translated by: Vahid Zaguri and Alireza Tayyab, Tehran, Qoms Publishing. (In Persian)
- Dubowitz, Mark (March 23, 2017). "The Delusion of the Iran Nuclear Deal", *The Wall Street Journal*.
- Dubowitz, Mark (September 26, 2017). How Trump Can Improve the Iran Deal at: <https://www.fdd.org/analysis/2017/09/26/how-trump-can-improve-the-iran-deal/>.
- Farhikhtegan (9/19/2019). Sanction Broker Foundation is also active in the Biden administration, accessible at: [www.farhikhtegandaily.com/news/48907](http://www.farhikhtegandaily.com/news/48907). (In Persian)
- Gerecht, Reuel and Ray Takeyh (April 7, 2017) "How Trump Can Help Cripple the Iranian Regime", *The Washington Post*.
- Gerecht, Reuel Marc (Dec, 12, 2018). Tehran Counts on a Divided West, at: <https://www.wsj.com/articles/tehran-counts-on-a-divided-west-11544656888>.
- Giglio, Mike (September 25, 2018). "Trump's New Iran Strategy, Inspired By The Cold War, Calls For "Maximum Pressure", *BuzzFeed News*.
- Hass, Richard (2002). "Think Tank and U.S. Foreign: A Policy-Markers Perspective Retrieved", *Foreign Policy*, Volume7, 3.
- Imam Jomezadeh, Seyyed Javad; Babaei, Mojtaba (2014). "The role of think tanks in applying US nuclear sanctions against Iran", *International Relations Studies Quarterly*, Year 8, Number 32: 91-114. (In Persian)
- Izadi, Fouad (2013). "The Network for Investigating Iran's Issues in America and US Policies towards the Islamic Republic", *Foreign Relations Quarterly*, Number3: 7-58. (In Persian)
- Ledeen, Michael (20 January 2015). *The Citizen's Guide to Regime Change*, Foundation for Defense of Democracies.
- Mc Gann, James (2002). "Think Tank and the Tran-nationalization of Foreign Policy". *Foreign policy*, volume 7, number 3.

- Mc Gann, James (2019). 2018 Global Go to Think Tank Index Report, University of Pennsylvania. at: [https://repository.upenn.edu/think\\_tanks/16/](https://repository.upenn.edu/think_tanks/16/)
- Mir Ahmadi, Fatemeh Sadat (2017). "The view of others; Economic Crisis and the Idea of Internal Pressures", National Security Watch Monthly, Number. 76: 83-88. (In Persian)
- Mousavi, Seyyed Hamed; Razavi, Salman (2019). "The impact of American think tanks on the foreign policy of the Trump administration regarding Iran's regional presence", Afaq Security Quarterly, Number 48: 105-137. (In Persian)
- Poursaid, Farzad; Shapouri, Mehdi (2017). "The Trump administration and the Sovietization of the Islamic Republic of Iran, why and how" Strategic Studies Quarterly, Number 8: 57-111. (In Persian)
- Resalat, Reza (2019). "Foundation for the Defense of American Democracy, the fire of economic war against Iran" accessible in: [www.irdiplomacy.ir/fa/news/1995817](http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1995817) (In Persian)
- Rich, Andrew; Weaver, Kent (2011). *Think Tanks in the Political System of the United State*, Shanghai Briefing Paper Special Issue.
- Seyed Shomali, Seyed Milad (2016). "The influence of conservative think tanks on America's aggressive policies in the Middle East (2000-2017)", New Research Quarterly in Humanities, Number 3: 11-29. (In Persian)
- Stone, Diane; Denham, Andrew (ed) (2004). *Think tank Traditional: Policy Research and the Politics of ideas*, Manchester university press: 322-324
- [www.fdd.org/about-fdd/](http://www.fdd.org/about-fdd/)
- [www.fdd.org/issue/iran](http://www.fdd.org/issue/iran)
- [www.fdd.org/team/mark-dubowitz/](http://www.fdd.org/team/mark-dubowitz/)
- [www.fdd.org/wp-content/uploads/2021/01/fdd-monograph-from-trump-to-biden.pdf](http://www.fdd.org/wp-content/uploads/2021/01/fdd-monograph-from-trump-to-biden.pdf), January 6, 2021.
- [www.thenation.com/article/think-tank-pushing-regime-change-iran-white-house-listening/](http://www.thenation.com/article/think-tank-pushing-regime-change-iran-white-house-listening/), July 12, 2018.
- [www.wsj.com/articles/build-an-iranian-sanctions-wall-11554246565](http://www.wsj.com/articles/build-an-iranian-sanctions-wall-11554246565), April 2, 2019.